

[دلالت صحیحه‌ی حلبی بر عدم قصاص شخص منتقم 1](#_Toc536480482)

[عدم تقیید صحیحه‌ی حلبی 2](#_Toc536480483)

[ابطال اجماع در مسأله‌ی انتقام 2](#_Toc536480484)

[نقل کلام فقها در مورد صحیحه‌ی حلبی 2](#_Toc536480485)

[دفع وهم 3](#_Toc536480486)

[شرط جدید برای قصاص 3](#_Toc536480487)

[روایات معارض صحیحه‌ی حلبی و روایت سلیمان بن خالد 3](#_Toc536480488)

**موضوع**: شرط پنجم: مقتول محقون الدم باشد /شروط قصاص /قصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

به مناسبت مسأله‌ی مورد بحث یعنی جایی که مردی، زانی با همسرش را به قتل برساند متعرض صحیحه‌ی حلبی شدیم و گفتیم که بعید نیست از این روایت شرط جدیدی برای قصاص استفاده شود.

# دلالت صحیحه‌ی حلبی بر عدم قصاص شخص منتقم

از صحیحه‌ی حلبی و روایت سلیمان بن خالد می توان حکمی را استخراج کرد هر چند مشهور قائل به این قول نیستند. در صحیحه آمده بود: «و عنه ، عن أبيه ، عن ابن أبي عمير ، عن حماد ، عن الحلبي ، عن أبي عبدالله عليه‌السلام في حديث أيما رجل اطلع على قوم في دارهم لينظر إلى عوراتهم  ففقؤوا عينه أو جرحوه فلا دية عليهم  ، وقال : من اعتدى فاعتدي عليه فلا قود له»[[1]](#footnote-1) از فقره‌ی ذیل روایت استفاده می شود شخصی که به دیگری تعدی کرد و جنایتی بر او وارد کرد و این عمل او باز تابی داشته باشد که ممکن است به حق هم نباشد ( جایی که به حق است مثل موارد دفاع ) و در مقام انتقام عکس العمل طبیعی ای داشته باشد ( مثلا اگر او با مشت ضربه ای زد منتقم با چاقو نزند. طبیعی بودن هم از مناسبت حکم و موضوع فهمیده می شود) اگر این عکس العمل موجب قتل شروع کننده شود هر چند منتقم گناه کرده است ولی طبق این روایت قصاص نمی شود ولی دیه و تعزیر ثابت است.

## عدم تقیید صحیحه‌ی حلبی

در کلمات بعضی از فقها این روایت مقید شده است که بعضی[[2]](#footnote-2) آن را تقیید کرده اند به «مثل» یعنی انتقام باید مثل عدوانی باشد که به او شده است و اگر بیشتر باشد موجب قصاص است. بعضی[[3]](#footnote-3) دیگر این روایت را حمل بر موارد دفاع کرده اند که به نظر ما موجبی برای این تقیید و حمل نیست. در آیه‌ی قرآن هم که آمده است ﴿ فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ‏ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُم ﴾[[4]](#footnote-4) که عبارت مثل دارد به خاطر این است که مورد آیه قصاص است ولی مانحن فیه موردش قصاص نیست پس نمی تواند مقید برای این روایت باشد.

فقره‌ی مورد تمسک درباره‌ی دفاع نیست به دلیل اینکه در فقره های قبل در مورد دفاع حضرت حکم را بیان کرده اند و کسانی که گفته اند فرض این روایت دفاع است در این مطلب دقت نکرده اند.

# ابطال اجماع در مسأله‌ی انتقام

این برداشت از روایت که ما کردیم هر چند مخالف کلام مشهور است ولی باید گفت که اجماع تعبدی در مسأله نداریم و مشهور هم با توجه به ادله‌ی موجود در این مسأله فتوا داده اند. مضافا بر این که ما در این مسأله به کلامی از فقها دست یافتیم که می تواند حاوی نظر ما باشد. در کلام شیخ در نهایه و ابن ادریس در سرائر و یحیی بن سعید عباراتی وجود دارد که بعضی از آنها تصریح در برداشت ما از روایت است.

# نقل کلام فقها در مورد صحیحه‌ی حلبی

مرحوم شیخ طوسی می فرماید: «و من اعتدى على غيره، فاعتدي عليه، فقتل، لم يكن له قود ولا دية»[[5]](#footnote-5) مشابه این روایت در کلام ابن ادریس در سرائر[[6]](#footnote-6) نیز آمده است.

مرحوم یحیی بن سعید حلی می فرماید: «و من قتله القصاص، أو الحد، أو أراد إنسانا على نفسه أو أهله أو ماله، أو أراد امرأة أو غلاما لفجور بهما، أو اطلع في دار قوم بلا اذن فزجروه فلم ينزجر فرموه ففقئوا عينه أو قتلوه، و من بدأ فاعتدى عليه و من حذر المجتاز، و من دخل دار قوم بلا اذن فعقره كلبهم، أو وقع في بئرهم، أو دخل بإذنهم و لا يتهمون عليه فكل ذلك هدر»[[7]](#footnote-7)

البته ظاهر کلام ایشان این است که دیه هم ساقط است ولی این دیگر در روایت نیست و اجتهاد خودشان می باشد که ما در این قسمت با این فقها مخالفیم و موجبی برای سقوط دیه نمی بینیم.

# دفع وهم

ممکن است بگوئید در آیه که آمده است ﴿ فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ‏ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُم ﴾[[8]](#footnote-8) کار شخص دوم را هم اعتدا فرض کرده است پس مانند ما نحن فیه است در نتیجه روایت سلیمان بن خالد و صحیحه‌ی حلبی هم باید مقید به مماثلت شود. ولی در جواب می گوئیم که در آیه قرینه‌ی قطعیه داریم که مراد از اعتدای دوم تعدی و تجاوز نیست بلکه به جهت مشابهت لفظی عبارت اعتدا آمده است. ولی در ما نحن فیه اصالة الحقیقة اقتضای حمل بر معنای حقیقی دارد و موجبی هم برای رفع ید از این ظهور نیست و در روایت آمده است: «من اعتدى فاعتدي عليه» که کار دومی هم تعدی است در حالی که قصاص تعدی نیست پس قابل حمل بر قصاص نیست.

# شرط جدید برای قصاص

با توجه به بیانی که ما از روایت کردیم می گویئم کسانی هم که این روایت را اینطور معنا نکرده اند فهمشان از این روایت این بوده است که روایت در فرض دفاع سخن می گوید. ولی به نظر ما این صحیح نیست در نتیجه یکی از شروط قصاص بنابر احوط این است که شخص مقتول شروع کننده به عدوانی نباشد که پیامد و عکس العمل فعل او موجب قتلش شود.

# روایات معارض صحیحه‌ی حلبی و روایت سلیمان بن خالد

در مقام ممکن است دو روایت به عنوان نقض بر آن برداشتی که ما از روایت داشتیم مطرح شود که باید به آنها پاسخ دهیم تا شرط جدیدی که برای قصاص مطرح کردیم شکل بگیرد. یکی روایتی است که در آن آمده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ صَفْوَانَ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يُخَالِفُ يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ قُضَاتَكُمْ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ هَاتِ شَيْئاً مِمَّا اخْتَلَفُوا فِيهِ قُلْتُ اقْتَتَلَ غُلَامَانِ فِي الرَّحَبَةِ فَعَضَّ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَعَمَدَ الْمَعْضُوضُ إِلَى حَجَرٍ فَضَرَبَ بِهِ رَأْسَ صَاحِبِهِ الَّذِي عَضَّهُ فَشَجَّهُ فَكُزَّ فَمَاتَ فَرُفِعَ ذَلِكَ إِلَى يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ فَأَقَادَهُ فَعَظُمَ ذَلِكَ عَلَى ابْنِ أَبِي لَيْلَى وَ ابْنِ شُبْرُمَةَ وَ كَثُرَ فِيهِ الْكَلَامُ وَ قَالُوا إِنَّمَا هَذَا الْخَطَأُ فَوَدَاهُ‌ عِيسَى بْنُ عَلِيٍّ مِنْ مَالِهِ قَالَ فَقَالَ إِنَّ مَنْ عِنْدَنَا لَيُقِيدُونَ بِالْوَكْزَةِ وَ إِنَّمَا الْخَطَأُ أَنْ يُرِيدَ الشَّيْ‌ءَ فَيُصِيبَ غَيْرَهُ‌»[[9]](#footnote-9)

که در این روایت با اینکه فرد در واکنش به فعل دیگری جنایتی را مرتکب شده است با این حال امام علیه السلام به قصاص حکم کرده‌اند.

دیگری هم روایتی بود که قبلا ما از آن استفاده کردیم که شخص کور اگر مرتکب جنایتی شود قصاص نمی شود که در آن آمده بود: «مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ‌ ضَرَبَ رَأْسَ رَجُلٍ بِمِعْوَلٍ فَسَالَتْ عَيْنَاهُ عَلَى خَدَّيْهِ فَوَثَبَ الْمَضْرُوبُ عَلَى ضَارِبِهِ فَقَتَلَهُ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هَذَانِ مُعْتَدِيَانِ جَمِيعاً فَلَا أَرَى عَلَى الَّذِي قَتَلَ الرَّجُلَ قَوَداً لِأَنَّهُ قَتَلَهُ حِينَ قَتَلَهُ وَ هُوَ أَعْمَى وَ الْأَعْمَى جِنَايَتُهُ خَطَأٌ تَلْزَمُ عَاقِلَتَهُ يُؤْخَذُونَ بِهَا فِي ثَلَاثِ سِنِينَ فِي كُلِّ سَنَةٍ نَجْماً فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِلْأَعْمَى عَاقِلَةٌ لَزِمَتْهُ دِيَةُ مَا جَنَى فِي مَالِهِ يُؤْخَذُ بِهَا فِي ثَلَاثِ سِنِينَ وَ يَرْجِعُ الْأَعْمَى عَلَى وَرَثَةِ ضَارِبِهِ بِدِيَةِ عَيْنَيْهِ»[[10]](#footnote-10)

درست است که در این روایت هم قصاص منفی شده است ولی به خاطر کور بودن قاتل نه به این خاطر که در مقابل تعدی دیگری تجاوز صورت گرفته باشد.

البته ما می خواستیم از این روایت دوم برای حکم مستفاد از صحیحه‌ی حلبی بهره ببریم هر چند مورد این روایت این است که شخص کور در مقام واکنش به طرف مقابل مرتکب جنایت شده است ولی در مورد کور چند روایت داشتیم که به صرف کور بودن قصاص دفع شده بود و در آن روایات فرض انتقام نبود. اما حل تعارض بین این دو روایت با دو روایت در مقام یأتی الکلام فیه ان شاءالله.

1. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج10، ص206.](http://lib.eshia.ir/10083/10/206/%20عوراتهم) [↑](#footnote-ref-1)
2. [ریاض المسائل، سید علی طباطبایی، ج16، ص278.](http://lib.eshia.ir/27154/16/278/بمثله) [↑](#footnote-ref-2)
3. [مبانی تکملة المنهاج، السید أبوالقاسم الخوئی، ج2، ص86.](http://lib.eshia.ir/21001/2/86/العرض) [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره بقره، آيه 194. [↑](#footnote-ref-4)
5. [النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، شیخ طوسی، ج1، ص755.](http://lib.eshia.ir/10054/1/755/فاعتدي) [↑](#footnote-ref-5)
6. [السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، ابن ادريس الحلی، ج3، ص362.](http://lib.eshia.ir/10023/3/362/فاعتدى) [↑](#footnote-ref-6)
7. [الجامع للشرايع، الحلي، يحيى بن سعيد ، ج1، ص582.](http://lib.eshia.ir/10011/1/582/غلاما) [↑](#footnote-ref-7)
8. سوره بقره، آيه 194. [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص278.](http://lib.eshia.ir/11005/7/278/فَشَجَّهُ) [↑](#footnote-ref-9)
10. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج10، ص232.](http://lib.eshia.ir/10083/10/232/الحلبي) [↑](#footnote-ref-10)